

تنقیح اسانید التهذیب

تألیف

سیدنا الامام نلقبه المحدث العلامة آية الله العظمى

الحاج آقا حسین الطباطبائی البروجردی

اعلی الله مقامه الشریف

عنی

باستنساخه وتصحیحه وتعیین مواضع الاسناد احقر تلامذته

الحاج المیرزا مهدی التبریزی

المعروف بالصادقی

فقر الله له ولو الذیبه ولجميع المؤمنین والمؤمنات

بحق محمد وآله الإماماد

وكان ذلك فی شهر ربيع الأول ۱۳۶۹/۷/۱۸

کتابی تازه در «رجال» با سبکی جدید

سید محمد رضا حسینی جلالی

بزرگوار را به اجمال بررسی کرده است. امیدواریم در آینده مقالاتی درازدامن در شیوه های گونه گون آن مرحوم در علوم یاد شده عرضه کنیم.

«آینه پژوهش»

بیان شیوه ها و سبکهای متون علمی در باز یافت محتوا و زوئیایی مطالب و بهره گیری کامل از آنها، بسیار کارآمد است و سودمند.

کتابهای رجالی و متونی که در پی پژوهش اسانید و رجال احادیثند نیز از این قاعده مستثنی نبوده و برای بهره گیری کامل از آنها دستیابی به سبک و شیوه مؤلف ضروری است. برای دستیابی به هدف یاد شده در هر کتابی توجه به دو امر لازم است:

(۱) سبک و ترتیب ابواب و فصول کتاب.

(۲) شیوه ای که مؤلف پژوهشهایش را بر آن استوار می سازد و نتیجه ای که بر اساس آن به خواننده عرضه می کند.

تنقیح اسانید التهذیب. آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی. تصحیح مهدی تبریزی. (مصنوع، ۱۳۶۹). ۶۹۱ ص، وزیری.

سی امین سالگرد فقیه گرانقدر و مرجع بزرگوار حضرت آیت الله العظمی بروجردی با برگزاری «یادواره فقهی» در زادگاه آن بزرگوار گرامی داشته شد.

این اقدام، اقدامی سودمند بود و گرانقدر. آن مرجع بزرگوار افزون بر جایگاه بلند و کم نظیر مرجعیت و هدایت امت، در علوم حوزوی نیز مستکر بود و گشاینده افقهای تازه در ابعاد مختلف فرهنگ اسلامی.

بر حوزه هاست که شیوه های کارآمد و استوار آن بزرگوار را در رجال، فقه و حدیث پی گیرند و در شناخت ابعاد مکتب از منهج سودمند آن فقیه راحل به ویژه نگرش تاریخی او به مسائل بهره برند.

این مقاله شیوه کارآمد دو کتاب گرانقدر رجالی آن

در خصوص شیوه های رجالیان و سبکهای گونه گون کتب رجالی در مقاله ای دراز دامن به انگیزه برانگیختن اراده ها و توجه گسترده به این موضوع و نیز نحوه بهره گیری شایسته از آنها به تفصیل سخن گفته ام و روشها و اسلوبهای کهنترین آنها را تا متأخرترینشان ارزیابی کرده ام که امید است به نشر آن موفق شوم. بی گمان، دانش رجال در اجتهاد و استنباط از جایگاه بلندی برخوردار است و نقش آن در شناخت دقیق احادیث سرنوشت ساز خواهد بود. سوگمندانه در سده اخیر - به ویژه در این چهار قرن - تألیف جدید و استواری که از سبکی نو و شیوه ای ابتکاری و روشی کارآمد برخوردار باشد، عرضه نشده است. مؤلفان در این مدت بیشتر به تکرار پژوهشهای عالمان گذشته و جمع آوری اطلاعات انباشته در متون کهن بسنده کرده اند که گاه متأسفانه آمیخته به تخریف و اشتباهاتی شگفت است.

اگر از تعداد کتب انگشت شمار این دوره، مانند مجمع الرجال قهپائی، جامع الرواة اردبیلی، تعلیقه وحید و تعدادی دیگر بگذریم، مابقی گرچه پر برگ و مفصل است؛ اما از آنجا که شامل هیچ سبک و شیوه جدیدی نیست، فایده چندانی در بر ندارد. شاید علت این رکود، بنا بر آنچه بعضی از فهرست نگاران کتب شیعی و متخصصان کتابشناسی ذکر کرده اند، این باشد که تألیفات کتب رجالی متأخرین، از انگیزه ای جز نوشتن کتاب نشأت نگرفته است. بدون اینکه هدفی برای تخصص در علم داشته باشند، یا اینکه احساس کنند که احتیاج به غور و تصحیح حتی به اندکی از آنچه در علوم فقه و اصول به کار می برند، داشته باشد. به همین دلیل است که می بینیم نویسندگان کتابهای رجالی در پایان فصالیتهای علمی خویش و در اواخر عمر به تألیف در علم رجال می پردازند. تنها به این جهت که فهرست تألیفاتشان از کتاب رجالی خالی مانند بدین ترتیب، آثار نادر و بی همتایی که در میان سایر علوم وجود دارد، در علم رجال کمتر دیده می شود.

اما اینک جای خرسندی است که دوران ما به یکی از گورهای گرانبهای رجالی زینت یافته است که به دلیل داشتن نوآوری در شیوه و سبک، از بهترین مؤلفات است. این کتاب را یکی از اعلام دین و یکی از بزرگترین مسجتهدین، یعنی مرجع بزرگ حضرت آیت الله سید حسین طباطبائی بروجردی قمی (تاریخ ولادتشان ۱۲۸۰) نوشته است. از ایشان در علم رجال دو اثر منتشر شده است: ۱- «تفهیم اسانید الکفای»؛ ۲- «تنقیح اسانید التهذیب». از آنجا که هر دو کتاب سبک و شیوه واحدی دارند، در اینجا از آنها یکجا گفتگو می کنیم تا دانش پژوهان به ذخایر و گنجینه های آن آگاهی یابند و علما دقت در سبک و شیوه و استقامت و پشتکار را از آن الهام گیرند. از خوارند متعال طلب ترفیق می کنیم.

هدفهای علمی متنی که مؤلفین در پی آن هستند، خرد موجب مشخص شدن مسیر عمل آنها می شود و آثار آنها را به کیفیت خاصی در می آورد. آنچه کتاب آقای بروجردی - قدس سره - را از دیگر کتابهای رجالی متمایز می سازد، جنبه علمی آن است که ری بدان اهتمام ورزیده است.

کتب رجالی، عموماً بر معلوماتی که در کتب مستقدمین ارائه شده تکیه دارند و تنها به تحقیق در آنها می پردازند؛ یا ترتیب جدیدی به آنها می دهند، یا به تناسب ذرئیه و تواناییهای علمی، آنها را کم یا زیاد می کنند. اما مرحوم بروجردی - ره - نظر خویش را به اسانیدی که در کتب محوری شیعه کتب اربعه - وارد شده، معطوف کرده است. او سندهای آنها را یکایک مورد بررسی قرار داده و در هنگام نیاز به کتب

رجالی، یعنی عالم و محدث تلاشگر، شیخ محمد علی اردبیلی حائری، مؤلف کتاب جامع الرواة انجام داده است.

مؤلف در باره چگونگی کتاب می گوید:

این کتاب شامل گردآوری روایان کتب اربعه، ذکر کسانی که از آنها روایت کرده اند، کسانی که از آنها روایت شده است، تعیین ارزش روایات آنها؛ و بدین وسیله رفع بعضی از نواقص کتب رجالی است. (مقدمه جامع الرواة، ج ۱، ص ز)

این روشن بینی شیخ اردبیلی، مورد قدردانی مرحوم بروجردی قرار گرفت. به گونه ای که مصراً امر به چاپ کتاب مزبور کرد و به منظور تجلیل از آثار علماء سابق و ستایش از کوششهای آنها و احیاء میراث ارزنده آنان و قدردانی از ابتکاری که مرحوم اردبیلی برای اولین بار در تاریخ علم رجال انجام داد، از چاپ کتاب خویش خودداری کرد.

اما مرحوم بروجردی - ره - به تنهایی به این روشن بینی دست یافته بود و ذهن جستجوگر او به این نظریه رسیده بود. آنجا که می گوید:

زمانی که در بروجرد بودم، در خلال تحقیقاتم برای شناخت اسانید روایات، به آنچه علماء و شیعه در باره فهرستها و رجال و مشترکات نوشته بودند، مراجعه کردم. آنگاه به آنچه این شیخ جلیل به آن رسیده بود رسیدم، و نیز به نقصهای دیگر آن کتابها آگاه شدم. لیکن روش دیگری را که متفاوت با روش او بود طی کردم که ممکن است در آن چیزی باشد که در این کتاب نیست. (مقدمه جامع الرواة، ج ۱، ص ز)

این سخن علاوه بر آنکه نشانگر نبوغ خاص مرحوم بروجردی در این زمینه است، نشان می دهد که ایشان قبل از اینکه برای زعامت حوزه علمیه، به قم هجرت کند و مرجعیت مردم را به عهده بگیرد، به این علم اشتغال داشته است مرحوم میرزا مهدی صادقی، شاگرد مؤلف کتاب و ناشر

رجالی آنها را مورد مراجعه قرار داده است تا به مزایای این سندها و مشکلات پیچیده آنها آگاهی پیدا کند و با دقت خاص خویش به حل آنها بپردازد. او می گوید:

زمانی، جوامع روایی بزرگ را برای پیگیری روایاتی که در آنها بود بررسی می کردم و برای شناخت اسانید بدانها مراجعه می کردم تا ببینم علماء بزرگ در جمع آوری نام و سرگذشت رجال و بیان احوال آنها و مشخص کردن مشترکاتشان چه انجام داده اند و مدتی فکر من بین این کتب و اسانید روایات در گردش بود. (تجربید، ج ۱، ص ۱).

داخل کردن موضوع اسناد روایت در تألیف کتب رجالی، برای هدف مشخص این علم دارای اهمیت زیادی است. این اهمیت به این دلیل است که اساساً هدف از تدوین علم رجال، شناخت اسناد روایات، یعنی روایان حدیث بوده است.

اگر چه قلمما برای حل مشکلات رجالی یا برای اموری مانند مشخص کردن مؤلفین کتب که ربطی به این علم دارد، کتب خاصی تدوین کرده اند؛ ولی نیاز اصلی که وضع این علم را ایجاب کرد، همان شناخت احوال روایان، ضبط اسناد، شناخت احادیث مقطوعه و موصوله، تصحیح اسامی و دیگر علمی مشخص می باشد. اینها، همه هدف نهایی برای تلاشی است که از جانب پژوهندگان و خبرگان در این علم، به انجام می رسد.

کوشش مرحوم بروجردی - ره - به منزله سوق دادن این علم به مجاری واقعیش و دور کردن آن از کارهای بی فایده در تألیفات اخیر است که هدفی جز گردآوری و انباشتن اسما ندارد! این گونه تلاش را برای اولین بار یکی از علماء بزرگ

آن به من گنت که در همان سال ورود ایشان به قم، این کتاب را از روی نسخه آن مرحوم استنساخ کرده است. و این بدان معنی است که کتاب در همان سال کامل برده و آشکار است که این اثر عالی به چه مدت زمانی برای تألیف احتیاج داشته است.

هنگامی که ما در نجف بودیم، خبر این تألیف بزرگ و میزان تأثیرش در پیشرفت علم رجال به ما رسید و برای ما سعادتش است که این کتاب در دوران ما منتشر شده است. خدا را شکر می کنیم و از خداوند متعال می خواهیم مؤلف آن را اجر وافر دهد و به ما توفیق استناد از تلاشهای او را عطا کند.

سپیک کتاب

مرحوم برجرودی روش جدیدی را در تألیف کتاب خویش در پیش گرفته است که تهل از او هیچکس در تاریخ علم رجال به آن مبادرت نکرده بود. حسن شیخ اردبیلی که قبل از او به تلخیص در اسانید پرداخته بود، به روش مرحوم برجرودی نرسیده و کتابش را بر آن سبک بنا نهاده بود. ما روش او را در بندهای ذیل مورد بررسی قرار می دهیم.

۱. جداسازی اسانید

مرحوم برجرودی در مستندة تجرید اسانید الکافی (ج ۱)، ص ۲-۳ می گوید:

به سبب متفرق شدن سندهای شیوخ رجال و دوری آنها از یکدیگر و مخلوط شدن آنها با متون، و نیز با در نظر گرفتن آنها به عنوان ابزاری برای بررسی متون و اینکه آنها مقتضود بالاصالة نبرند، به نظر رسید که اگر آنها را از متون جدا کنیم، خدمتی به علم حدیث و علوم منسب از آن خواهد بود.

جدا کردن اسانید کتب حدیث و قرار دادن آنها در کتابی جداگانه، امر مهمی است که از جهت کتاب را در ردیف کتب

رجالی قرار می دهد و آن را از شمار جوامع روایی خارج می کند. فایده دیگر آن، این است که محققین را از حیل کتابهای مفصل حدیث، که هم اسانید و هم متون را دربردارد، بی نیاز می کند.

کتاب کافی دارای ۸ جلد و شامل حدود ۴۰۰۰ صفحه است. و در آن حدود ۱۶۱۲۱ حدیث و جزء دارد که مرحوم برجرودی - ره - جمیع اسانید آن را در یک کتاب ۷۱۴ صفحه ای آورده است که اهمیت این جداسازی روشن می باشد. همچنین کتاب تذهیب در ده جلد و استبصار شامل چهار جلد، حدود ۵۰۰۰ صفحه و حدود ۱۸۱۱۱ حدیث می باشد که ایشان اسانید آنها را در یک کتاب با (۶۵۹) صفحه جمع آوری کرده است و این کار بسیار مهم است.

۲. ترتیب اسانید

آیت الله العظمی برجرودی این کتاب را به صورتی مرتب کرده که تاکنون سابقه نداشته است. این ترتیب مطابق با شیوة علمی ایشان است که سپس درباره آن گفتگر می کنیم. چنین ترتیبی استناد از کتاب ایشان را آسان گردانید و استدلال بر نتایج برگرفته شده را روشن می سازد. او می گوید:

به نظر رسید که اگر اسانید را از متون جدا کنیم، و آنها را به صورتی جمع آوری کنیم که اسناد هر کدام از شیوخ رجال در یکجا و یا در بخشهای مشخصی ثبت شده باشد، محققین به آسانی می توانند به اسانید هر حدیث دست یابند. (تجرید، ج ۱، ص ۷-۱۲).

همچنین می گوید:

آن را مطابق با شیوخی که در اول اسانید ذکر شده اند،



به ترتیب حروف اسامی یا کتبه های آنها، مرتب کردم سپس شیوخ شیوخ و همین طور تا سند به معصومین - علیهم السلام - برسد. (تجريد، ج ۱، ص ۳۱).

کتاب چهارگانه حدیث که برای استنباط احکام به آنها رجوع می شود، دارای حدود ۴۰۱۹۵ حدیث، و آگاهی بر اسانید متشابه آنها بسیار مشکل است. اما با این ترتیب که مرحوم بروجردی در کتابش انجام داده به بهترین وجه ممکن به این امور توان دست یافت. سبک کتاب در ترتیب، بسیار خوب و پسندیده است. زیرا او اسامی شیوخ را به ترتیب حروف الفبایی منظم کرده است. سپس تحت عنوان هر شیخ، اسانیدی را که روایت کرده است مانند ترتیب فوق بر حسب اسامی مشایخ او و همچنین در مشایخ بر اساس حروف الفبا در اسامی شیوخ آنها، مرتب کرده است. این ترتیب تا رسیدن به سلسله معصومین - علیهم السلام - ادامه دارد. بدین ترتیب اگر دو حدیث در دو باب مختلف باشد، ولی سند از اول تا آخر واحد باشد، در کتاب مرحوم بروجردی در یکجا قرار داده شده است. از این ترتیب، هدف مورد نظر که عبارت است از: آگاهی بر تحریفات و اشتباهی که در این اسناد واقع شده است، تأیید بعضی از اسانید توسط سندهای دیگر در اثبات طبقات، قرینه بودن آنها برای یکدیگر و دیگر فواید علمی که به آنها اشاره می شود حاصل می شود.

۳. تعلیقات مرحوم بروجردی

مرحوم بروجردی - ره - بر محلهایی که نیاز به توضیح داشته است، و آنچه از مطالب مجمل یا ناقص است، تعلیقاتی

آورده است. این تعلیقات ناشی از فکر عمیق او و خبریت گسترده اش در این علم می باشد و در این کارها با تکیه بر کتب رجالی اصلی و استشهاد به قرآنی که گاهی از میان اسانید دیگر و گاهی از میان کتب خاص دیگر به دست آورده، به رفع اجمال یا رفع نقصهایی که در اسانید واقع شده، پرداخته است. این تعلیقات به روشی نشانگر توانایی ایشان در کاوش در اعماق این علم و دستیابی به گوهرهایی گرانبها از میان امواج خروشان دریای این علم، آشکار می شود. به وسیله این تعلیقات ارزشمند، وی مشکلات زیادی از علم رجال را حل کرده است و اسرار عمیق آن را شناسانده و برای دانش پژوهان راهی را هموار ساخته تا نظر درست را در میان بسیاری از مسائل که علما در آن اختلاف دارند، پیدا کنند.

۴. مقدمات

مرحوم بروجردی پیشگفتارهای مفیدی در بخشهای مختلف آورده است. وی در این مقدمات از مؤلفین کتب اربعه، تعداد مشایخ هر یک به طور کامل، بیان شاگردان هر یک که کتاب را روایت کرده اند، به شکل گسترده ای بحث کرده و مشکلات

زیادی را حل کرده و مسائل مختلفی را که نیاز به بحث بیشتری بوده، تحلیل کرده است.

شیوه مؤلف

آیت الله العظمی بروجردی از جمله افرادی است که مکتب فقهی خاصی در میان فقه‌های بزرگ داشته است. او در دوران زعامتش، مکتب فقهی استواری را پایه گذاری کرده است، که همواره در حوزه مقدس قم پا برجاست و در دست توانای شاگردان ایشان مستمر و مثمر است. همچنین وی در علم رجال دارای مکتبی خاص با اصول و قواعد و مبانی ویژه بود که از سرچشمه مصادر رجالی به دست آورده بود و آنها را با شیوه علمی متقن از تلاشهای علمی قبل از خود فرا گرفته بود. آگاهی تفصیلی بر شیوه رجالی او محتاج مجال گسترده‌تر از این است و در اینجا تنها به بیان شیوه مرحوم بروجردی در کتابی که به آن پرداخته ایم، اکتفا می‌کنیم. ایشان توضیحاتی درباره چگونگی این شیوه داده است که آنها را با بیانی مختصر در اینجا می‌آوریم.

۱. تکمیل نتایج منابع رجالی

آیت الله العظمی بروجردی -ره- می‌گوید:

من علماء رجال را دیدم که بسیاری از روایان موجود در اسناد را ذکر نکرده‌اند. همچنین گاه از میان کسانی که نامشان ذکر شده است، طبقه آنها و طبقه شیوخی که احادیث را از ایشان گرفته‌اند و شاگردانشان که احادیث را از آنها فرا گرفته‌اند، یاد نکرده‌اند. در حالی که این موارد تأثیر زیادی در شناخت رجال دارد. آنان به مشخص کردن مشترکات نپرداخته‌اند و به جای پرداختن به جزئیات اسامی مشترک که در احادیث وارد شده است و بررسی محلهایی که در آنها احتمال وجود قرائن مشخص کننده می‌رود - کاری که از آنان انتظار می‌رفت - به کلیاتی که از استقرانات ناقص خویش، هر یک طبق تئیمهایی انفرادی یا شاهد آوردن از شواهد ناقص و قلیل که نه مفید علم و نه ظن است و به هیچ وجه انسان را به هدف نزدیک نمی‌کند،

اکتفا کرده‌اند. (تجرید، ج ۱، ص ۲).

ما قبلاً اشاره کردیم که هدف اصلی علم رجال، شناخت احوال روایان اسانید و دیگر مسائل اسناد است. عادت بر این است که برای تحصیل این غرض و تطبیق نتایج بر اسانید به کتب رجالی رجوع شود. اما تلاش مرحوم بروجردی بر اساس رجوع به اسانید و نیز بهره‌گیری از علم رجال است. بر اساس روش ایشان، تبادل بین کتب رجالی و اسانید آغاز شد و این از مهمترین امتیازات شیوه ایشان است که گسترده‌ترین تأثیر را در این علم داشته است. مبنای این تلاش بر این است که کتب رجالی به تنهایی مقصود مورد نظر را فراهم نمی‌سازند و به نظر مرحوم بروجردی این کتب نقصی دارد که بر علمای فن پوشیده نیست و این نقص باید با رجوع به اسانید بر طرف شود.

مرحوم بروجردی در بیان نتایج کتاب خویش می‌گوید: برطرف کردن نقصهای موجود در علم رجال و متمایز ساختن مشترکات به نحوی که به گونه‌ای علمی و با منبعی روشن به هر پژوهنده امکان می‌دهد تا در آن نظر کند و از آن استنباط نماید. (تجرید، ج ۱، ص ۳).

۲. بیان علل حدیث و رفع آنها

مرحوم بروجردی می‌گوید:

من در اسانید بجز اشتراکات «علل» زیادی را یافته‌ام که عبارتند از: تصحیف، قلب، افزون و نقصان سندها. اینها یا بر اثر سهو و اشتباه ناسخین و مؤلفین و یا اکتفاء مؤلفین به اخذ به طریق «مناوَلَة» یا همراه با «اجازه» و «وجادة» پیش آمده است.

ناهنجاری مؤثرند. زیرا این اسانید شامل اسامی ای هستند که قیاس را در آنها راهی نیست و شناخت صحیح آنها فقط از طریق تعلم و اخذ از دهان علما و سینه به سینه میسر است. در این گونه موارد نمی توان به ذوق شخصی و تحلیل عقلی! و یا بهره گیری از کتب دیگری که خود در معرض تحریف و تصحیف و خطاها هستند، اکتفا کرد.

بعضی از نقصهای موجود در اسانید، به دست خود مؤلفین واقع شده است، لکن این کار - مطلقاً - به دلیل جهل آنها به واقع امر - قصوراً و یا تقصیراً - نیست؛ گرچه برخی از کسانی که ادعای تصحیح میراث و متون کهن را دارند می خواهند چنین ادعایی کنند، بلکه دلیل اصلی آن این است که این مؤلفین به درجه ای از تقوا و درستی و امانت علمی رسیده اند که در نصوصی که به آنها می رسد، احتیاط می کنند. بنابراین آنها را عیناً در مؤلفات جامع خویش نقل می کنند. و بر این کار، دلیلی جز رعایت امانت و صدق در اخذ و نقل ندارند. آنان با تکیه بر عقل یا قیاس یا آنچه شرعاً حجت نیست، به تصحیح آنچه به آنها می رسد - گرچه اشتباهی روشن در او باشد - دست نمی زنند.

دلیل این که آنان خود بر نص صحیح آگاهی داشته اند این است که آنان عبارت صحیح را در جاهای دیگری ذکر کرده اند. ما در بررسیمان به این نتیجه رسیدیم که آنها با دقت تمام بر این شیوه اعتماد داشته اند. و ما در مقاله (من لم یروهنه فی رجال الشیخ الطوسی) گوشه ای از این مطلب را بیان کرده ایم. در آن بحث به این نتیجه رسیدیم که شیخ طوسی به وقوع اشتباه و نقص در بعضی از طرق که در کتاب (فهرست) خود آورده، واقف است. ولی به دلیل اینکه اشاره به آنها از هدف علمی آن کتاب خارج بوده است و در بسیاری از موارد این نقص و اشتباه واضح می باشد، خود وی به آنها اشاره ای نکرده است. ولی با روشی دیگر در آن باب از رجال خود بدانها اشاره نموده است. آری این موارد بر علمایی که در راه این علم تلاش می کنند و به بررسی کتبهای آن

از طرفی عدم وضوح کلمات در اصول کتابها به خاطر بدی خط و عدم نقطه گذاری و اعراب گذاری حروف در خطوط قدیمی یا به خیال کامل بودن سندهای «معلق» در اصل کتب حدیث یا به خیال عکس آن یعنی ناقص بودن سندی کامل و غیر از آن نیز هستند. به عقیده من - غالباً اگر نه همیشه - در دیگر اسانیدی که «اشترک» یا «اعتلال» در سندش وجود دارد، قرینه ای که این «اشترک» را متمایز سازد و بر اساس آن «اعتلالها» و آنچه را صحیح است نشان دهد، وجود دارد. (مجموعه، ج ۱، ص ۲).

متأسفانه، میراث مقدس اسلامی دچار اشکال مختلف تحریف، تصحیف، زیادی و نقصان شده است. این چیزی است که وقوع آن در بعضی از کتب ارزشمند دیده می شود و جای انکار ندارد. این موارد به چند دلیل واقع شده اند:

۱- فاصله زمانی زیاد بین ما و مؤلفین این کتب.

۲- دور شدن امت اسلامی از منابع و سرچشمه های

معارف خود.

۳- کم همتی و سستی اراده ها در به دست آوردن علم از «طرق» معروف و متداول.

۴- جهل ناسخین و وراثین قدیم و ناشرین و چاپخانه داران جدید.

۵- جهالت مدعیان علم و معیار قرار گرفتن آراء شخصی و هوسهای نفسانی و ذوقهای شخصی، و سوء تصرف آنها در چاپ آثار ارزشمند.

از آنجایی که این علل می توانند در هر گونه میراث باقیمانده تأثیر داشته باشند، به طریق اولی در اسانید به نحو

می پردازند و پژوهشگران و نکته سنجان و اساتید آن مخفی می مانند؛ گرچه بر کسانی که داعیه «تصحیح تراش» را دارند، کسانی که با علم نقط از طریق نوشته های پر غلط ارتباط دارند، و وابستگان به تفسه های کتاب که برای سیاه کردن اوراقشان به گمان تصحیح، به بدگری علما می پردازند، مخفی و مجهول است.

ادل علم و فضیلت راهی را می پیمایند که با صحیاب منطقی و عقل سلیم سنجیده شده است؛ طرقی متقن و مورد اطمینان که به وسیله آنها به راه حل های واقعی دست یافته و مشکلات مورد نظر را حل می کنند. مرحوم بروجردی - ره - در کتاب خرد شیر ذکر شده را که برای رسیدن به راه حل های واقعی اختیار کرده است، ترسیم می کند. وی بررسی اسانید را راهی برای رفع نقضیهای مذکور به وسیله جمع بین سند های متشابه می داند. وی می گوید:

تفحصاً بررسی اسانید تنها منبع شناخت آنها و تبیین مشترکاتشان و آگاهی از دخل و صحت آنهاست. قاضی اینها در شناخت اسانید روایات که وسیله احراز متقن آنهاست، دانسته می شود. (تجربید، ج ۱، ص ۲).

۴. آسان کردن دفع در جهت مقصود

مرحوم بروجردی به این ویژگی کتابش اشاره نموده می نویسد: این کتاب سند های هر شیخ را در یک محل یا محلهای مجرده و مشخصی گردآوری می کند تا مستدل بتواند به آنها اشاره کند و محصل و پژوهشگر نیز به آسانی به آنها دست یابد. (تجربید، ج ۱، ص ۲-۳).

فهرست کردن موضوعات علمی، یکی از راه های هموار برای رسیدن به ادناتی است که به خاطر آنها کتب تألیف می شوند درباره علم رجال، این فهرست نسبتی بر عنوان اشخاص چون اسامی، القاب و کنیه دست که قابلیت اینها برای مرتب شدن به ترتیب الیایی مسأله بسیار روشنی است. مرحوم بروجردی در کتاب خود از طرح فهرست کردن بر

طبق حروف الفبا استفاده کرده است. این کار هم حجم کتاب را تا حد ممکن کم می کند و هم استفاده از آن را گسترش می دهد. زیرا اسامی شیوخ و همین طور شیوخ شیوخ تا معصوم - ع - بر طبق حروف الفبا مرتب شده است. بنابراین کسی که می خواهد به کتاب مراجعه کند، چیزی بیش از دانستن نام اولین شیخ مؤلف را لازم ندارد تا مرضع اسانید او را بیابد. و در این صورت می توان اسامی شیوخ او را به طور مرتب، بر طبق حروف در پیش روی خود دید. فهرست کردن اسانید به این صورت، از ابتکارات مرحوم بروجردی - ره - است که در فرهنگ امت اسلامی و در تاریخ علم حدیث با همه گستردگی تلاش های انجام یافته برای علوم حدیث، بر سابقه برده است. این امر از نبوغ و قوه ابتکار اوست.

آ احزابا و علمم حدیث

حضرت آیت الله بروجردی در توضیح نواید کتاب خویش چنین می گوید:

این کتاب خدمت به علوم حدیث و علوم که متفرع بر آن است، می باشد. چون با این کتاب همه آنچه که نقشی در شناخت اسانید روایات - که مقصود اصلی است - دارند دانسته می شود. (تجربید، ج ۱، ص ۲).

در دوران اخیر بر اثر فرورفتن حوزه های علمیه در تدریس علوم عقلی و منصل شدن علوم «آلی» نظیر علم اصول فقه، علم حدیث و علوم مربوط به آن، دچار رکود و فراموشی شده است.

مرحوم بروجردی دارای یدی بیضا در تعدیل گرایش حوزه بود. او از این تفریط که ضررش برای دین کمتر از ضرر افراط

پیدا کند. (تجريد، ج ۱، ص ۳).

مرحوم بروجردی در میان اساتید بزرگ حوزه، با تلاش زیاد خود برای تعلیم راههای استنباط، و شیوه های ابطال استدلال و احتجاج به شاگردانش، مشخص و متمایز بود. دروس او جایگاهی بود برای کسب تجربه درباره این علم که در میان علوم اسلامی بی نظیر است. و این یکی از زمینه های توجه او به حوزه های علمیه بود تا دانش پژوهان تشویق شوند و با بهره گیری از متفکران از نردبان علم بالا روند. کتب او نمایش نمونه هایی شگفت انگیز از تلاشهای او در جهت پیشبرد علم به جلو و کمک به علما در جهت پیشرفت علمی می باشد. نتایج این تلاشها اکنون به شکل کتاب در دسترس طلاب عزیز است، و روش ایشان به دست شاگردان بزرگش به ثمر نشست است. امیدواریم که اشتیاق او برای استمرار فراگیری و به کارگیری طلاب از شیوه و سبک او در تحقیق و تفکر، محقق شود. خداوند او را رحمت کند و بهشت را مأوايش سازد.

پیشنهادها

در پایان این مقاله سپاسگزاری و ستایش فراوان خویش را نثار عالم فاضل، مرحوم شیخ میرزا مهدی صادقی تبریزی می کنم و از خداوند می خواهم که به او رحمت و رضوان خویش را عطا فرماید. زیرا این کتاب به وسیله او آماده شد و او بود که آشنایی با این کتاب را ممکن ساخت. با این حال، چاپ فعلی تمامی آنچه را که شایسته این اثر مهم است، یعنی صحت و دقت و ثبت را که استفاده کامل از آن را ممکن گرداند در بر ندارد. علاوه بر اینکه چاپ آن زیبا نیست و نکاتی فنی که سزاوار رعایت در این کتاب بوده، رعایت نشده است.

مطلع شدم که یکی از شاگردان^۲ او در صدد چاپ کتاب است. قصد او این است که آن را به صورتی که مؤلف گرامی

اخبارگیری در رجوع به حدیث و ترك قواعد عقلی قطعی و نتایج بدیهی علم اصول نبود، جلوگیری کرد و حقیقت را به جایگاه خویش باز گرداند.

تلاشهای مرحوم بروجردی در تدریس علم اصول بر اساس بالاترین دستاوردهایی که تحقیقات معاصرین به آن رسیده است، انجام پذیرفت. و در احیاء علم حدیث و علوم متفرع بر آن سعی وافری به کار برد. کتاب جامع احادیث الشیعة و کتاب التجريد و التنقیح تبلور عینی این تلاش است.

کتاب جامع احادیث آخرین تلاش اسلامی برای گردآوری حدیث است. در این کتاب تمامی ویژگیهای مثبت تألیفات گذشتگان آورده شده است و مؤلف در تألیف آن از جدیدترین ابتکارات در شیوه و سبک، استفاده کرده است. بحث درباره این اثر بزرگ، فرصت دیگری را می طلبد.

اما کتاب اسانید (همین کتاب) بحق، جهشی در علوم اسانید حدیث در دوران معاصر شمرده می شود. در این کتاب، مؤلف در عین اینکه از آثار گذشته به بهترین شکل استفاده کرده، مشکلات باقیمانده مربوط به اسانید را حل کرده است. وی برای طلاب استفاده از این کتاب را به بهترین وجه آسان کرده است. این خدمت بس بزرگ، در تاریخ معاصر نظیر ندارد.

۵- مقدمه برای فراگیری در علم رجال

مرحوم بروجردی - ره - در جهت سنجش کار خویش می گوید: هر پژوهشگری می تواند در این کتاب نظر کرده و از آن استنباط کند. امید می رود که افکار پژوهشگران با این کار پی در پی برخورد کرده و نظایر آن گسترش

تألیف کرده و مبتنی بر نسخه ای است که به دست خط مرحوم مؤلف ترشته شده است، چاپ کند. به نظر رسید که ضروری است، پیشنهادهای خود را در باره این کتاب بزرگ و آنچه باید در مورد آن انجام گیرد مطرح کنم تا استفاده از آن به نحو کامل صورت گیرد. پیشنهادهای به طور خلاصه چنین است:

۱- شماره گذاری اسانید از ابتدا تا انتها با شماره مسلسل، همراه با شماره گذاری هر شخص از شیوخ یا شیوخ شیوخ، تا هر کس که در پی سند خاصی است به سهولت تمام به آن دست یابد.

۲- متمایز ساختن اسامی محل بحث در هر سند با حروف سیاه یا به صورت دیگر تا کسی که به آن مراجعه می کند، بتواند سندهای غیر تکراری را با سرعت هر چه قاطعتر پیدا کند.

۳- چاپ هر سند در یک سطر، همان طور که شخص مؤلف آن را برای کتابش وضع کرده است و اصل کتاب هم به همین صورت برده است.

۴- تکرار دادن تملیقات مرحوم بروجردی بر مراد اسانید در جادای مشخص. این توضیحات بایستی در محلی جلای از اسانید - مثلاً در حواشی یا بعد از اسانید و با حروف دیگری - قرار گیرد تا جلب نظر کند.

۵- از آنجا که کتاب بنا بر اسامی شیوخ در هر طبقه مرتب شده است؛ و چه بسا اسامی راویان ممکن است در سندهای دیگر همراه با اسامی شیوخ دیگر به دفعات تکرار شده باشد؛ آگاهی بر محللهای اسم راوی معینی در همه کتاب ممکن نیست؛ مگر بعد از شناخت اوایل هر سند؛ برای حل این مشکل بایستی فهرستی ترتیب داد که کلیه اسامی اعلام کتاب و راویان اسانید و محللهایی که اسم هر راوی ذکر شده است، را شامل باشد. بدین ترتیب تصداه راویان و دیگر احوالاتش برای کسی که در پی شناخت اوست، در دسترس قرار می گیرد؛ بدون این که نیازی به شناخت اول سندی که او

در آن واقع شده یا راویان قبل از او باشد.

۶- تهیه دیگر فهرستهای فنی برای کتاب؛ نظیر فهرست کتب، فهرست جاها، فهرست اصطلاحات رجال، فهرست توضیحاتی حواشی و غیر اینها تا آنجا که میسر باشد. در پایان از خداوند تعالی می خواهیم که ما را در خدمت به علم و اهل علم موفق بنماید.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

پی نوشتها:

۱- استاد سید محمدرضا حسینی جلای مقاله را به زبان عربی نگاشته بودند. این مقاله در واحد ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات دفتر تبلیغات اسلامی ترجمه و در دفتر مجله بازنگری و ویراستاری شد.
۱- تراثنا. سال دوم، شماره ۲، ۱۴۰۷ ق.

۲- خطیب شهیر مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن نوری، مدتها برد که بر اساس پیشنهاد بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس بدین تلاش گرانقدر علمی و تحقیقی همت ورزیده برد. بنا برد کتاب با تحفظ بر شیوه تنظیم و ترتیب مرحوم آية الله العظمى بروجردی و با حفظ زیبای آن مرحوم عرضه شود. اینک امید است پس از رحلت آن بزرگوار این اقدام گرانقدر متوقف نشود و حوزه های علوم اسلامی از آن بی بهره نمانند.